

پناهجویان و دسترسی به تحصیلات عالی در کانادا:
یک مطالعه موردی از جامعه افغان‌های تازه‌وارد در بریتیش کلمبیا

تهیه شده توسط:
داکتر صوفیا نوری

محقق اصلی، معاون پروفیسور دانشکده آموزش

عاصیه محمد
دستیار پژوهش، دانشجوی کارشناسی ارشد آموزش

مینه نیکمل
دانشجوی کارشناسی ارشد مدیریت بازرگانی، تنظیم کننده امور اجتماعی برای افغانان

الهه صافی
مدیر و بنیانگذار انجمن بشری صافی

شرکای اجتماعی
انجمن بشری صافی
Divercesity

Abbotsford School District

بودجه تأمین شده توسط
جایزه تحقیق و توسعه جان اچ. ام. و دوریس دی. اندروز
دسامبر ۲۰۲۴

«این روند بسیار دشوار و پیچیده بوده است. ما به اطلاعات بیشتری در مورد نحوه درخواست، مکان درخواست، ارتباط با افراد مسئول، یافتن منابع مالی برای پرداخت هزینه های تحصیلی و نحوه درخواست برای قرض ها نیاز داریم. برخی از راهنمایی ها در مورد وبسایت های مربوطه بسیار مفید خواهد بود. تحصیل کردن فشار بسیار زیادی علاوه بر تلاش برای زندگی در مکانی گران قیمت مانند بریتیش کلمبیا بالای ما بوجود می آورد.»

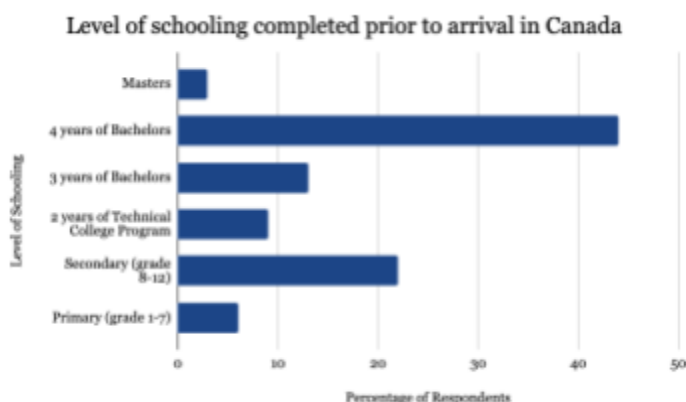
- پاسخ دهنده افغان به نظرسنجی

این مطالعه به بررسی موانع دسترسی به تحصیلات عالی برای افغان های تازه وارد به بریتیش کلمبیا، کانادا می پردازد. هدف این پروژه شناسایی موانع از طریق نظرسنجی ها و مطالعه گروهی است. این گزارش نمایانگر یافته های اولیه ارائه شده در نظرسنجی ها بوده و امیدوار است که نظرات و پیشنهاداتی برای بهبود دسترسی پناهجویان افغان به تحصیلات عالی در کانادا، به ویژه در سیستم آموزشی بریتیش کلمبیا، ارائه دهد. این پروژه همچنین اطلاعاتی درباره آموزش عمومی و خدمات پشتیبانی مبتنی بر جامعه در اختیار تازه واردان قرار خواهد داد.

۳۸ پاسخ از آگوست ۲۰۲۴ تا دسامبر ۲۰۲۴ جمع آوری شد. تمامی پاسخ دهندگان بالای ۱۸ سال و از افغانستان یا دارای ریشه افغان بوده و در بریتیش کلمبیا زندگی می کردند (به استثنای یک نفر که در حال حاضر در خارج از شهر زندگی میکند). در میان پاسخ دهندگان ۱۶ نفر مرد و ۲۲ نفر زن بودند.

سن پاسخ دهندگان هنگام ورود به بریتیش کلمبیا بین ۹ تا ۳۹ سال، با سن میانگین و نما ۲۵ سال. مدت زمان زندگی در

کانادا در محدوده بین ۱۰ ماه تا ۱۶ سال، با



میانگین ۴.۲۷ سال (نما: ۲ سال) گزارش شده

است. از میان پاسخ دهندگان، ۲۹٪ در لیسه های

عمومی و ۳۸٪ در لیسه های بزرگسالان BC

شرکت کرده بودند. این اطلاعات نشان می دهد

که تازه واردان افغان عمدتاً با اتمام تحصیلات

لیسه در خارج از کانادا وارد مؤسسات

تحصیلات عالی می‌شوند، هرچند از سیستم‌های مدارس عمومی شهری نیز استفاده می‌کنند. یافته‌های این نظرسنجی نشان می‌دهد که ۷۵٪ پاسخ‌دهندگان علاقه شدیدی به تحصیلات عالی، ۶٪ علاقه کمتر و ۱۹٪ نیز علاقه خفیف داشتند. و هیچ پاسخ‌دهنده عدم علاقه به تحصیلات عالی را گزارش نداده‌اند.

اطلاعات نشان‌داده‌شده در **شکل ۱** دستاوردهای تحصیلی تازه‌واردان افغان را بروز می‌دهد، به‌طوری‌که نزدیک به ۷۰٪ آنان قبل از ورود به کانادا برنامه‌های دیپلم یا درجه‌های تحصیلی را تکمیل کرده‌اند. این یافته‌ها سطح بالای تحصیلات در میان این گروه را نشان می‌دهد. علاوه بر این، **جدول ۱** مهارت‌های زبانی آنان در زبان انگلیسی را توضیح می‌دهد که نشان می‌دهد بسیاری از تازه‌واردان افغان مهارت بالایی در این زبان دارند و توانایی آن‌ها را در ادغام و مشارکت موثر در محیط جدیدشان تأیید می‌کند.

سطح مهارت خودارزیابی شده شرکت‌کنندگان	انگلیسی متوسط	مکالمه	خواندن	نوشتن
پیشرفته	۶۳٪	۵۰٪	۴۴٪	
متوسط	۳۸٪	۵۰٪	۵۳٪	
ابتدایی	۳٪	۰٪	۳٪	

جدول ۱: این جدول داده‌های نظرسنجی را که درصد پاسخ‌دهندگانی را نشان می‌دهد که سطح مهارت خود را در مکالمه، خواندن و نوشتن زبان انگلیسی به صورت پیشرفته، متوسط یا ابتدایی گزارش کرده‌اند.

انگیزه‌های اصلی تازه‌واردان افغان برای ادامه تحصیلات عالی شامل افزایش فرصت‌های زندگی، بهره‌برداری از فرصت‌های تحصیلی که در افغانستان در دسترس نبودند، و دنبال کردن حرفه‌ای است که به آن علاقه بیشتری دارند (**شکل**

۲). بر اساس این یافته‌ها، تازموردان افغان از آمادگی خوبی برای ادامه تحصیلات عالی برخوردارند؛ با این حال، موانع سیستماتیک وجود دارد که باید بر آن‌ها غلبه کنند.

بسیاری از تازموردان افغان تلاش می‌کنند وارد مؤسسات تحصیلات عالی شوند و فرآیند درخواست را آغاز کنند. یافته‌های نظرسنجی ما نشان می‌دهد که ۶۵٪ از پاسخ‌دهندگان تلاش کرده‌اند تا به کالج‌های محلی در بریتیش کلمبیا درخواست بدهند، ۲۶٪ علاقه یا نیازی به رفتن به کالج نداشتند، و ۹٪ علاقه‌مند به درخواست بودند اما نتوانستند این کار را انجام دهند.

در مورد دانشگاه‌ها در بریتیش کلمبیا، ۷۰٪ از پاسخ‌دهندگان تلاش کرده‌اند تا درخواست خود را راجع نمایند و ۳۰٪ علاقه به درخواست داشتند اما به دلیل عوامل خارجی قادر به این کار نبودند. در حال حاضر، ۴۱٪ از شرکت‌کنندگان در نظرسنجی حداقل در یک برنامه تحصیلات عالی در بریتیش کلمبیا ثبت‌نام کرده‌اند. این تلاش‌ها نشان می‌دهد که تازموردان افغان نه تنها تمایل به یادگیری دارند، بلکه اقدامات عملی برای ورود به مؤسسات تحصیلات عالی در این شهر را انجام داده‌اند.

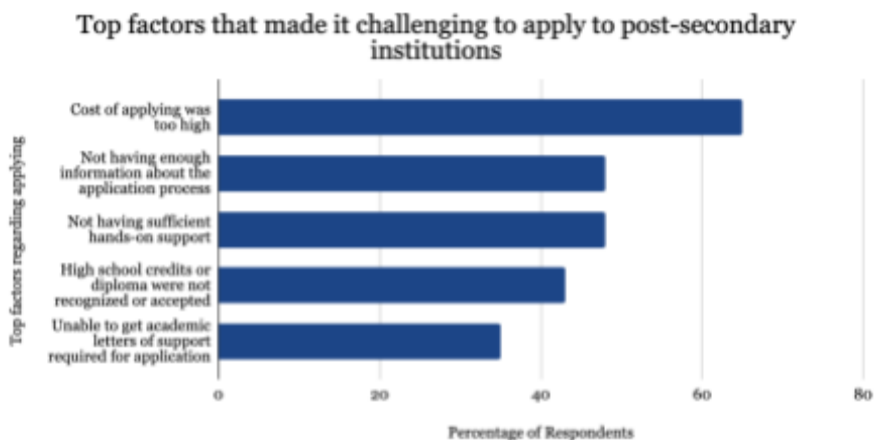


Figure 3: The chart outlines the top challenges respondents faced when applying to post-secondary institutions.

پاسخ‌دهندگان به نظرسنجی، چالش‌های متعددی را در مراحل درخواست، ثبت‌نام و تکمیل تحصیلات عالی در بریتیش کلمبیا گزارش دادند. عوامل اصلی که درخواست به مؤسسات تحصیلات عالی را دشوار می‌کرد، شامل هزینه‌های بالای درخواست،

اطلاعات ناکافی در مورد پروسه ها، و نبود حمایت عملی بودند (شکل ۳). به همین ترتیب، چالش‌های مرتبط با ثبت‌نام شامل کمبود حمایت مالی یا بورسیه‌ها، نداشتن راهنمایی یا حمایت در پروسه ثبت‌نام، و عدم توانایی در برآورده کردن شرایط داخله بودند (شکل ۴). پس از ثبت‌نام، موانعی که تکمیل موفقیت‌آمیز برنامه‌های تحصیلی را دشوار می‌کردند عبارت بودند از: هزینه‌های بالای تحصیل و کمبود حمایت مالی، احساس عدم حمایت از سوی دفاتر و مؤسسات، و ناآگاهی از نحوه تعامل با استادان و دستیاران آموزشی (شکل ۵). این نتایج نشان می‌دهد که تازه‌واردان در بریتیش کلمبیا در تمام مراحل سفر تحصیلی خود، از درخواست تا تکمیل، با موانع مالی و بنیادی روبرو هستند.

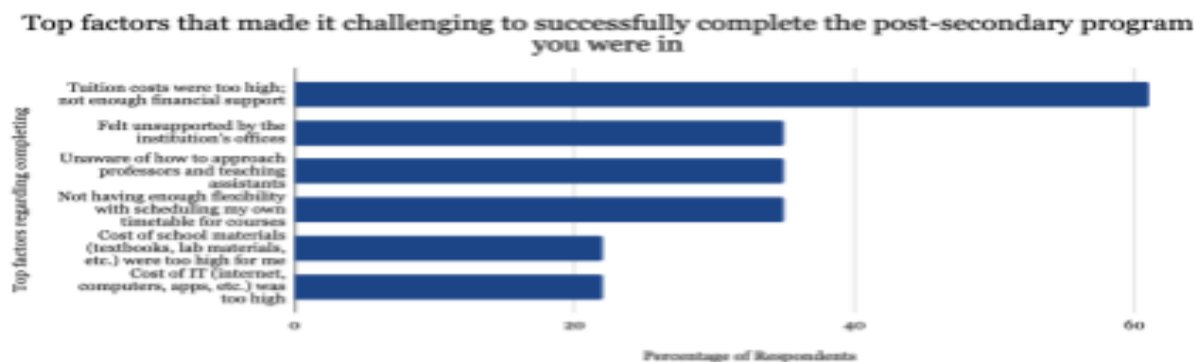


Figure 5: The chart outlines the top challenges reported to successfully completing their post-secondary programs (after enrolment).

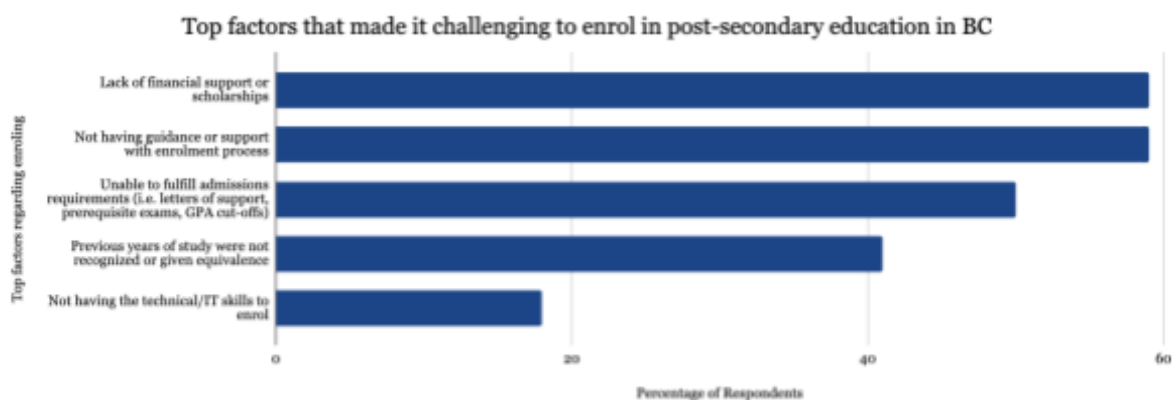


Figure 4: The chart highlights the top challenges respondents faced when enrolling in post-secondary education in BC.

پاسخ‌دهندگان

به نظرسنجی چالش‌های مختلف محیطی و روان‌شناختی را در طول تحصیلات عالی خود در بریتیش کلمبیا گزارش کردند که بر تجربه‌های آکادمیک و اجتماعی آن‌ها تأثیر گذاشته است. از نظر چالش‌های محیطی، ۶۳٪ از تفاوت‌های فرهنگی یاد کردند، ۵۴٪ مشکل در ایجاد ارتباط یا یافتن دوستان را گزارش دادند و ۴۶٪ به کمبود اطلاعات درباره منابع و حمایت‌های موجود اشاره کردند. علاوه بر این، ۳۸٪ تجربه نژادپرستی به دلیل پیشینه قومی خود داشتند، ۲۵٪ سیستم آموزشی را بیش از حد فردگرا یا رقابتی دانستند و ۲۵٪ کمبود خدمات را بیان کردند. از نظر چالش‌های روان‌شناختی و عاطفی، ۵۷٪ احساس تنهایی و انزوا را تجربه کردند، ۵۷٪ درباره تعادل بین انتظارات مدرسه و کار دچار اضطراب بودند و ۴۸٪ درباره تعادل بین انتظارات مدرسه و خانواده نگرانی داشتند. همچنین، ۴۸٪ احساسات منفی نسبت به عدم دستیابی به انتظاراتشان پس از رسیدن به بریتیش کلمبیا را گزارش دادند، ۳۵٪ با حجم کار درسی احساس غرق‌شدگی داشتند و ۳۵٪ نتوانستند اهداف آکادمیک خود را به سرعتی که انتظار داشتند محقق کنند.

اکثریت پاسخ‌دهندگان تعامل محدودی با برنامه‌های سازمان‌های اسکان مجدد یا غیرانتفاعی که به تازم‌واردان در پیمایش سیستم آموزشی بریتیش کلمبیا کمک می‌کنند، داشتند. ۶۷٪ از وجود چنین برنامه‌هایی آگاهی نداشتن، ۲۱٪ از وجود این برنامه‌ها آگاه بودند اما از آن‌ها استفاده نکردند و تنها ۱۳٪ از این برنامه‌ها استفاده کردند. این یافته‌ها نیاز به افزایش آگاهی و دسترسی به برنامه‌های حمایتی را نشان می‌دهد که به تازم‌واردان در درک بهتر و پیمایش سیستم تحصیلات عالی در بریتیش کلمبیا کمک می‌کنند.

از ۳۸ شرکت‌کننده در این نظرسنجی، ۱۳ نفر در حال حاضر در یک برنامه تحصیلات عالی (مانند کالج، دانشگاه، یا مدرسه فنی) در بریتیش کلمبیا ثبت‌نام کرده‌اند و ۱۳ نفر با موفقیت برنامه‌های خود را به پایان رسانده‌اند. این نشان می‌دهد که با وجود چالش‌ها، موفقیت برای تازم‌واردان افغان ممکن است. یافته‌های اولیه این مطالعه نیاز به حمایت و منابع را برای افزایش شانس موفقیت تازم‌واردانی که به دنبال دسترسی به تحصیلات عالی در بریتیش کلمبیا هستند، تأکید می‌کند. هدف این پژوهش شناسایی موانعی است که تازم‌واردان با آن‌ها روبرو هستند و ارائه توصیه‌هایی برای بهبود دسترسی و نتایج آن‌ها. گزارش کامل این پروژه، همراه با توصیه‌های خاص و مرتبط برای رفع این چالش‌ها، تا پایان سال ۲۰۲۵ به اشتراک گذاشته خواهد شد. اگر مایل به شرکت در این مطالعه هستید، می‌توانید به لینک نظرسنجی زیر دسترسی پیدا کنید:

https://ubc.ca1.qualtrics.com/jfe/form/SV_9Ky0PuwEPBz5YSW

